

حمله شریعتمداری به محقق داماد

آقای محقق داماد نامه سرگشاده‌ای را که خطاب به جامعه قضات کشور نوشته بود، منتشر کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، این نامه که بلافاصله بعد از انتشار با استقبال گسترده رسانه‌های تابلودار دشمن نظیر B B C فارسی، VOA، سعودی اینترنت‌نشنال، دویچه وله، رادیو فردا، رادیو زمانه و سایت‌ها و شبکه‌های ضدانقلاب روبه‌رو شد، اگرچه از جایگاه یک روحانی حقوقدان و ظاهراً خطاب به قضات کشور نوشته شده است ولی مروری - هرچند گذرا - بر متن نامه و زمان انتشار آن به وضوح نشان می‌دهد، که در آن از مباحث فقهی و حقوقی خبر چندانی نیست و متأسفانه به نظر می‌رسد نویسنده نامه با وام گرفتن از جایگاه خود به عنوان یک روحانی حقوقدان و با استفاده از چند واژه فقهی، سمت و سوی واقعی نامه را پوشانده است! در این باره اشاره به چند نکته ضروری است و امید است جناب محقق داماد پاسخ قابل قبولی برای آن داشته باشند.

۱- آقای محقق داماد در نامه خود خطاب به قضات آورده‌اند: «در این ایام که کشورمان با بحران ناآرامی مواجه است و تمام مشکلاتی که موجباتش را ناتوانی دولت‌ها فراهم ساخته‌اند امروز به دامن دستگاه قضایی سرازیر شده، قضات کشورمان را با امتحانی عظیم روبه‌رو ساخته است. امتحانی که ناظرین آن عموم آحاد ملت ایران و داور نهایی آن پروردگار متعال است. ایس‌الله باحکم الحاکمین». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، در این بخش از نامه به رعایت عدالت در قضاوت توصیه شده است که توصیه‌ای بجا و بایسته است ولی، اولاً؛ تأکید بر رعایت عدالت در قضاوت به عناوینی نظیر آیت‌الله، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی و... نیازی ندارد بلکه این توصیه‌ها از مسائل و امور بدیهی است که از هر کس دیگری نیز انتظار می‌رود. ثانیاً؛ چرا حالا که پای محاکمه اغتشاشگران و قاتلان مردم بی‌دفاع و رسیدگی به جنایات وحشیانه آنها در میان است به فکر رعایت عدالت افتاده‌اید؟! در بحبوحه اغتشاش و در حالی که آشوبگران اجاره‌ای در فلان نقطه گلولی پلیس را می‌بریدند! با چاقو به پلیس حمله می‌کردند! روی بدن بسیجیان بنزین می‌ریختند و جسم پاک و مطهر آنها را به آتش می‌کشیدند! مردم کوچه و بازار را به قتل می‌رساندند! آمبولانس‌های حامل بیمار را متوقف کرده و آتش می‌زدند! اموال عمومی را به آتش می‌کشیدند، به مسجد و حسینیه حمله می‌کردند! قرآن‌ها را می‌سوزاندند! با ضرب و شتم چادر و روسری از سر زن محجبه بر می‌داشتند! زائران حرم مطهر شاهچراغ را قتل عام می‌کردند! و... حضرتعالی کجا تشریف داشتید؟! و چرا نگران اجرای عدالت نبودید؟!

۲- فرض محال که محال نیست! هست؟! حالا فرض می‌کنیم که جنابعالی در اوج اغتشاش‌ها و جنایات وحشیانه اغتشاشگران در ایران نبوده‌اید! و روح لطیف! و وجدان عدالت‌طلبان از همه آن جنایات بی‌خبر بوده است! ولی حالا که به اصطلاح وجدانتان بیدار شده و نگران اجرای عدالت شده‌اید، چرا به هیچیک از جنایات اغتشاشگران کمترین اشاره‌ای نفرموده‌اید؟! چرا در نامه سرگشاده‌تان از شکنجه‌های قرون وسطایی قاتلان داعش مسلک بر جسم مطهر شهید آرمان علی‌وردی سخنی نگفته‌اید و به اوج قساوت آشوبگران در به شهادت رساندن آن طلبه پاک کمترین اشاره‌ای نکرده‌اید؟! آیا از شهادت مظلومانه شهید روح‌الله عجمیان در اتوبان کرج خبر نداشتید؟! آیا نمی‌دانستید که عده‌ای از آشوبگران حرامی با مشتش و لگد و چاقو و قمه به جان او افتاده و آن کارگر ساده را که غیر از تعهد به اسلام و انقلاب جرمی نداشت به فجیع‌ترین شکل ممکن به شهادت رسانده‌اند؟!

جناب محقق داماد! چرا در نامه سرگشاده خود که به اصطلاح خطاب به قضات کشورمان نوشته‌اید و قبل از ارسال برای قضات، از کشول چندرنگ B B C و VOA، سعودی اینترنت‌نشنال، دویچه وله، رادیو فردا، رادیو زمانه و سایت‌ها و شبکه‌های ضد انقلاب سر برآورده است! درباره این جنایت و عاملان شهادت مظلومانه شهید عجمیان لام تا کام سخنی نگفته و قلمی نچرخانده‌اید؟! حتماً می‌دانید که پدر آن شهید چند سال در جبهه‌های نبرد به دفاع از وجب به وجب خاک ایران و جان و مال و نوامیس مردم این مرزوبوم از جمله شما، مشغول بوده است. راستی در آن هنگامه خون و دود و آتش حضرتعالی کجا تشریف داشتید که در نامه کذایی خود حتی یک دفاع خشک و خالی از آن شهید و خانواده بزرگوارش را لازم ندیده‌اید؟!

۳- جناب آقای محقق داماد! علاوه بر این پرسش که چرا در قبال آنهمه جنایت آشوبگران سکوت کرده بودید، دو سؤال دیگر نیز از محضر جنابعالی مطرح است.

اول؛ آن که چرا دقیقاً هنگامی که نوبت به مجازات عاملان آشوب‌های وحشیانه و قصاص قاتلان رسیده است، احساسات عدالتخواهانه شما بیدار شده و توصیه به اجرای عدالت می‌فرمایید؟!

دوم، این که؛ چرا توصیه جنابعالی با قیل و قال مقامات رسمی آمریکا و اسرائیل و انگلیس و رسانه‌های ضدانقلاب و تحت مدیریت بیگانگان درباره مجازات عاملان جنایت و مخالفت با قصاص قاتلان همزمان است؟! آیا به نظر حضرتعالی می‌توان این همزمانی را تصادفی دانست؟!

۴- حضرت آقای محقق داماد! شما یک شخصیت روحانی و استاد حقوق هستید و به یقین می‌دانید که مجازات جنایتکاران در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا به رسمیت شناخته شده است آیا حکم قصاص را نفی می‌فرمایید؟! ممکن است بگویید که جنابعالی فقط به رعایت عدالت در قضاوت توصیه کرده‌اید! قبول! ولی چرا از جنایات آشوبگران و قتل و جرح مردم بی‌گناه از سوی آنها کمترین اشاره‌ای نکرده‌اید؟! توصیه به عدالت که نمی‌تواند و نباید یکطرفه باشد؟ می‌تواند؟! به یقین پاسخ منفی است!

۵- جنابعالی و یا احتمالاً کسانی که نوشتن آن نامه را به شما توصیه کرده‌اند به ترفند «حرکت از پله دوم»! متوسل شده‌اند. ترفندی ظالمانه و به غایت فریبکارانه! درباره این ترفند و چگونگی استفاده از آن مثالی می‌آوریم: تصور کنید شخصی از پنجره اتاقش به خیابان نگاه می‌کند و ناگهان شخصی را می‌بیند که خودش را به شخص دیگری رسانده و سیلی محکمی بیخ گوش او می‌زند! در این حالت به طور طبیعی وجدان و احساسات کسی که ناظر این صحنه است جریحه‌دار می‌شود و اگر توان مجازات سیلی زننده را نداشته باشد، دست‌کم آن که بر مظلومیت شخص سیلی خورده تاسف می‌خورد! حالا اگر معلوم شود شخص سیلی خورده در چند خیابان آنطرف‌تر با قمه و چاقو به جان شخص دیگری افتاده و دل و روده او را بیرون ریخته است! چه احساسی به ناظر صحنه دست می‌دهد؟! آیا همچنان از شخص سیلی خورده حمایت می‌کند؟! و یا عدالت را در آن می‌بیند که وی به اشد مجازات برسد و یا لاقلاً به اندازه جنایتی که مرتکب شده است، مجازات شود؟! جناب محقق داماد، در نامه شما - شاید بی‌آن‌که جنابعالی بدانید- از این ترفند استفاده شده و از پله اول ماجرا که جنایت‌های وحشیانه آشوبگران و قتل انسان‌های بی‌گناه از سوی قاتلان اجاره‌ای است سخنی به میان نیامده است!

و بالاخره، بی‌حساب نیست که نامه آقای محقق داماد بلافاصله بعد از انتشار از سوی رسانه‌های تابلودار دشمن با استقبال فراوان و کف و سوت آنها روبه‌رو شده و به تیترو خبر اول تبدیل می‌شود!